

بسم الله الرحمن الرحيم

۸۹/۱۰/۱۱

موضوع: «غسل» یا «مسح» پاها، در وضو

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با «وضو» بود که آیا وضو به مسح پا است یا به شستن پا است. ما ادله متعددی از کتاب، سنت، وضوی پیامبر، وضوی امیرالمؤمنین، وضوی عثمان، وضوی «ابن عباس» و دیگر صحابه را عرض کردیم که موقع وضو گرفتن پایشان را مسح می‌کشیدند.

ما امروز می‌خواهیم نظر چند تن از شخصیت‌های برجسته اهل سنت که نظرشان مسح پا در وضو هست را عرض کنیم. سپس به نظریه برخی از علما مثل «ابن کثیر» و دیگران می‌رسیم که اظهار داشتند: «شیعه در وضو بدعت گذاشته حتی یک دلیل هم برای مسح پا ندارند!! و شیعه گمراه و گمراه‌گر است» و بعد به مسح در وضو مثال می‌زنند.

آیا واقعاً تمام این روایاتی که خواندیم و بررسی‌های سندیه هم کردیم کفایت نمی‌کند که امثال «ابن کثیر» این پرده سیاه و غلیظ تعصب را کنار بگذارند که حداقل به روایاتی که خودشان آورده‌اند عمل کنند!؟

البته ما نیازی به روایات اهل سنت نداریم، زیرا ما به حد مستفیض، قریب به متواتر از اهل بیت (علیهم السلام) در مسح در وضو روایات صحیح داریم. به تعبیر «شیخ طوسی» مسح در وضو از ضروریات فقه شیعه و اهل بیت (علیهم السلام) است.

یکی از شخصیت‌های برجسته اهل سنت که تعریف و تمجید زیادی از او کرده‌اند آقای «عامر بن شراحیل بن عبد شعبی» است که از او تعبیر به «الإمام» می‌کنند.

معمولاً اهل سنت به این سادگی از هر کسی به «الإمام» تعبیر نمی‌کنند. به عنوان مثال ما شیعیان از هر کسی به «آیت الله العظمی» یا «مرجع عالیقدر» تعبیر نمی‌کنیم. کلمه «امام» در میان اهل سنت مرادف همان «مرجع عالیقدر» یا «آیت الله العظمی» در میان ما هست.

اهل سنت از «شعبی» به «الإمام» و «الحافظ» تعبیر می‌کنند. او استاد «ابوحنیفه» بوده به طوری که می‌گویند مرسلات «شعبی» همه صحیح است و روایاتی که سندش به «شعبی» برسد صحیح است.

به عنوان مثال بعضی از بزرگان ما نسبت به مشایخ الثقات یا اصحاب اجماع چنین عقیده‌ای دارند که اگر یک روایت با سند صحیح به یکی از اصحاب اجماع مثل «زراره»، «محمد بن مسلم»، «أبان» و دیگران برسد بعد از او بررسی سند لازم نیست. همچنین نسبت مشایخ الثقات همانند «ابن ابی عمیر»، «صفوان»، «بزنطی» همین مسئله صادق است. اهل سنت نسبت به «شعبی» می‌گویند:

«مرسل الشَّعبی صحیح، لا یکاد یرسل إلا صحیحاً»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی،

دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد

السلام تدمری، ج ۷، ص ۱۲۵، باب ۴ عامر بن شراحیل ع

همان تعبیری که «شیخ طوسی» نسبت به «ابن ابی عمیر» و دیگران دارد که می‌گوید:

«ما یرویه محمد بن أبی عمیر، وصفوان بن یحیی، وأحمد بن محمد بن أبی نصر و غیرهم من الثقات

الذین عرفوا بأنهم لا یروون ولا یرسلون إلا عن یوثق به»

العدة في اصول الفقه (عدة الأصول)؛ الشيخ الطوسي؛ تحقيق: محمد رضا الأنصاري القمي المطبعة :

ستاره - قم ؛ ج ۱، ص ۱۵۴

«سفيان بن عيينه» تعبیری دارد که می‌گوید:

«قال ابن عيينة علماء الناس ثلاثة ابن عباس في زمانه والشعبي في زمانه والثوري في زمانه»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی،

ج ۴، ص ۳۰۰، باب ۱۱۳ الشعبی

این سه نفر عالم علی الاطلاق هستند. به عنوان مثال ما تعبیر داریم که آیت الله العظمی بروجردی مرجع علی الاطلاق بوده است. یعنی مرجعیت در زمان ایشان منحصر به این بزرگوار بوده است. همچنین «مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی» و «میرزای شیرازی» مرجع علی الاطلاق بوده اند. اهل سنت هم معتقدند که این سه نفر عالم علی الاطلاق بوده‌اند.

آقایان می‌توانند به کتاب «تذكرة الحفاظ» اثر «ذهبی»، جلد اول، صفحه ۷۹؛ کتاب «تهذيب التهذيب» اثر «ابن حجر عسقلانی»، جلد پنجم، صفحه ۶۵؛ کتاب «حلیة الأولیاء»، جلد چهارم، صفحه ۳۱۰؛ کتاب «شذرات الذهب» اثر «ابن عماد حنبلی»، جلد اول، صفحه ۱۲۶؛ کتاب «طبقات الحفاظ» اثر «سیوطی» صفحه ۴۳؛ و مصادر دیگر در شرح حال «عامر شعبی» مراجعه کنند.

آقای «ابن جریر طبری» در کتاب «تفسیر طبری» عبارتی آورده است و عرض کردیم که «ابن تیمیه» می‌گوید: یکی از تفاسیر قابل اعتماد که می‌شود به روایات آن اعتماد کرد و با اطمینان طبق آن نظر داد «تفسیر طبری»

است

آقای «طبری» در تفسیرشان جلد ۵ صفحه ۱۱۱ روایتی را از «عامر» نقل می‌کند و می‌گوید:

«عن عامر أنه قال في هذه الآية «فامسحوا بوجوهكم وأيديكم إلى المرافق وامسحوا برؤوسكم وأرجلكم

إلى الكعبين» وقال في هذه الآية أمر أن يمسح في التيمم ما أمر أن يغسل في الوضوء»

خدای عالم امر کرده ما در تیمم مسح بکشیم آن مواردی را که در وضو باید بشوییم.

«وأبطل ما أمر أن يمسح في الوضوء الرأس والرجلان»

آن مواردی را که در وضو ما مسح می‌کشیم در تیمم قلم عفو و بطلان کشیده شده است.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۱۱، باب النساء: (۴۳) يا أيها الذين... ..

همچنین از «اسماعیل بن ابو خالد» نقل می‌کند:

«كان الشعبي يقرأ وأرجلكم بالخفض»

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۳۰، باب المائدة: (۶) يا أيها الذين... ..

می‌گوید اصلاً ایشان (وَ اَمْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ وَ اَرْجُلِكُمْ) نمی‌خواند، بلکه آیه را «اَرْجُلِكُمْ» خوانده است. اگر چنین

بخواند قطعی است که معنا "سرتان و پایتان را مسح بکشید" می‌شود. گرچه عرض کردم اگر «اَرْجُلِكُمْ» هم

بخوانیم عطف بر محل (بِرُؤُوسِكُمْ) است.

همچنین در صفحه ۱۲۹ عبارتی را از «عامر شعبی» آورده که می‌گوید:

«عن الشعبي أنه قال إنما هو المسح على الرجلين»

آنچه که وظیفه وضو گیرنده است مسح کشیدن بر دو پا است.

«ألا ترى أنه ما كان عليه الغسل جعل عليه المسح»

مگر نمی بینید مواردی که در وضو شسته می شود در تیمم مسح کشیده می شود.

«وما كان عليه المسح أهمل»

مواردی را که در وضو مسح می کشیم در تیمم مهمل گذاشته شده و رها شده است.

جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، دار

النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۲۹، باب المائدة: (۶) یا أيها الذین... ..

باز در روایت دیگری تعبیرشان این است وظیفه متیمّم، و کسی که تیمم می کند این است که مسح بکشد. وظیفه کسی که وضو می گیرد مسح کشیدن به پا است، زیرا خدای عالم موارد مسح را در تیمم باطل ساخته است که رأس و رجلین باشد.

در روایت دیگری نقل می کند که راوی می گوید:

«قلت لعامر: إن ناسا يقولون إن جبريل عليه السلام نزل بغسل الرجلين»

می گوید مردم! اینگونه می گویند؛ مشخص است در زمان «عامر شعبی» که نزدیک به صد سال از زمان پیغمبر و بعثت می گذرد توده مردم می گویند:

«إن جبريل عليه السلام نزل بغسل الرجلين»

توده مردم می گویند: آنچه که جبرئیل نازل کرده است شستن پا است.

«فقال نزل جبريل بالمسح»

گفت: جبرئیل مسح پا را نازل کرده است.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ٦، ص ١٢٩، باب المائدة: (٦) يا أيها الذين

علاوه بر «طبری»، «ابن کثیر دمشقی سلفی» در کتاب «تفسیر» خود جلد ۲ صفحه ۲۷ همین مطلب را آورده است. بازهم تعبیر «شعبی» چنین است:

«أمر أن يمسح بالصعيد في التيمم ما أمر أن يغسل بالماء»

خداوند متعال در آیه شریفه دستور داده‌اند به هنگام تیمم بر روی خاک پاک تیمم کنید در حقیقت موارد تیمم جاهایی است که ما در وضو آن موارد را می‌شوئیم.

« وأهمل ما أمر أن يمسح بالماء»

خداوند مواردی که باید در وضو مسح بکشیم را مهمل گذاشته و رها کرده است.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ٦، ص ١٢٩، باب المائدة: (٦) يا أيها الذين

بازهم روایت دیگری از «شعبی» هست که «ابن عبد الرزاق» استاد «بخاری» نقل می‌کند. «ذهبی» در مورد «ابن عبد الرزاق» می‌گوید:

«لو ارتد عبد الرزاق عن الإسلام ما تركنا حديثه»

اگر عبدالرزاق مرتد بشود ما از احادیث او دست برنمی‌داریم.

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی،

ج ۹، ص ۵۷۳، باب ۲۲۰ عبد الرزاق بن همام ع

«عبدالرزاق» در کتاب «مصنف» خود جلد ۱ صفحه ۱۹ از «شعبی» نقل می‌کند:

«أما جبریل [علیه السلام] فقد نزل بالمسح علی القدمین»

آنچه جبرئیل نازل کرده مسح روی قدم در وضو است.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعانی، دار النشر: المكتب الإسلامي - بیروت -

۱۴۰۳، الطبعة: الثانية، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، ج ۱، ص ۱۹، ح ۵۶

آقای «ثعلبی» در «تفسیر» خود تعبیری دارد که می‌گوید:

«قال الشعبي: نزل جبرئیل بالمسح»

شعبی گفته است که جبرئیل به مسح نازل شده است.

«ألا ترى المتيمم يمسح ما كان غسلًا ويلغى ما كان مسحاً»

مگر شما نمی‌بینید کسی که می‌خواهد تیمم کند موارد شستشو وضو را مسح می‌کشد و موارد مسح را رها می‌کند.

الكشف والبيان (تفسیر الثعلبی)، اسم المؤلف: أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبی النيسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت - لبنان - ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م، الطبعة: الأولى،

تحقیق: الإمام أبو محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي، ج ۴، ص ۲۸، باب المائدة:

(۶) يا أيها الذين..

آقای «بدرالدین عینی» یکی از شخصیت‌های برجسته اهل سنت صاحب کتاب «عمده القاری فی شرح صحیح البخاری» عده‌ای از علمایی که قائل به مسح هستند همانند «ابن عباس»، «قتاده» و «عکرمه» را می‌آورد و می‌گوید:

«وقال الشعبي نزل جبريل عليه الصلاة والسلام بالمسح»

جبرئیل (علیه الصلاة و السلام) به مسح پا نازل شده است.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲، ص ۲۳۸، باب کتاب الوضوء

این مطالب علاوه بر کتاب «عمده القاری» در کتاب‌های دیگری از جمله «المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز» اثر آقای «ابن عطیه اندلسی»، جلد دوم، صفحه ۱۶۳؛ «تفسیر علامه قرطبی» که عصاره تفسیر شش قرن اول اسلام است، جلد ششم، صفحه ۱۹۲ و همچنین «فتح القدر» اثر «شوکانی» جلد دوم، صفحه ۱۸، وارد شده است.

این مطالب مواردی بود که ما توانستیم از آثار آقای «عامر شعبی» پیدا کنیم. گرچه اگر کسی بخواهد بگردد بیش از این، در منابع اهل سنت آورده‌اند. اما در خانه کسی است یک حرف بس است!!

آنچه برای ما جای تعجب است عبارتی است که آقای «ابن کثیر دمشقی» در «تفسیر» خود جلد ۲ صفحه ۲۶ آورده است. او بعد از اینکه مواردی را از «شعبی»، «قتاده»، «ابن عباس» و «عکرمه» نقل می‌کند که همه آن‌ها

قائل به مسح پا در وضو بودند و خودشان عملاً مسح می‌کشیدند، و آخرین روایتی را هم که نقل می‌کند همان است که می‌گوید:

«إن ناسا يقولون إن جبريل نزل بغسل الرجلين»

مردم می‌گویند جبرئیل غسل پا را نازل کرده است.

«فقال نزل جبريل بالمسح»

شعبی گفت: جبرئیل مسح پا را نازل کرده است.

ولی «ابن کثیر دمشقی» می‌گوید:

«فهذه آثار غريبة جدا»

این آثار جدا عجیب است.

می‌گوید این همه روایات از صحابه و تابعین درباره مسح پا در وضو، واقعاً آثار عجیبی است. شما انصاف را نگاه کنید که او در ادامه می‌گوید:

«وهي محمولة على أن المراد بالمسح هو الغسل الخفيف»

مراد از مسح کشیدن این است که شستشوی ساده و خفیفی داشتند.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر

- بيروت - ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۶، باب المائدة: (۶) يا أيها الذين

بینید تعصب چکار می‌کند؟! آن وقت این شخص ادعا می‌کند که شیعه ضال و مضل است و یک روایت صحیح درباره مسح پا ندارند.

«ابن کثیر» ده‌ها روایت نقل می‌کند، ده‌ها عمل صحابه، تابعین و فقها را نقل می‌کند ولی بعد می‌گوید: «آثار

غریبه جدا» سپس می‌گوید: مراد از مسح همان غسل خفیف است!!

حال ما می‌پرسیم که جناب آقای «ابن کثیر دمشقی»! این ادعا که می‌گویید: "مراد از مسح، غسل خفیف

است" به این خاطر است که در کنار کرسی نشسته‌ای و برای زن و بچه‌ات داستان‌سرایی و افسانه‌سرایی

می‌کنی یا روایت و آثاری از بزرگان و صحابه را مطرح می‌کنی که گفته‌اند مراد از مسح، غسل خفیف است؟! آیا

سراغ دارید که بزرگان و صحابه گفته باشند مراد از مسح که می‌کشیم غسل خفیف است!؟

حرف باید مستند باشد؛ حرف باید یا مستند به آثار پیغمبر باشد، یا مستند به سیره پیغمبر باشد و یا مستند به

سیره صحابه و تابعین یا اتباع تابعین باشد!!

«ابن کثیر دمشقی» متوفای ۷۷۴ هجری نیمه دوم قرن هشتم است. این شخص همینطور شیر یا خط انداخته

و به ذهنش چنین مطلبی خطور کرده است!! اگر ما نگوییم:

وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْهِمْ لِيَجَادِلُوكُمْ

و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند تا با شما به مجادله برخیزند.

سوره انعام (۶): آیه ۱۲۱

اسم دیگری نمی‌توانیم برای آن بگذاریم. آثاری از پیغمبر ندارید که ثابت کنید مراد از مسح غسل خفیف باشد!!

همچنین آثاری از صحابه، تابعین یا اتباع تابعین ندارید. حداقل در کتاب‌های لغت که عمدتاً از اهل سنت است از

قبیل کتاب «تاج العروس» اثر «زبیدی»، کتاب «لسان عرب» اثر «ابن منظور» یا کتاب «صاحح اللغة» اثر

«جوهری». شما ندارید که صاحب لغتی در معنای مسح گفته باشد:

«المسح علی قسمین؛ مسح إمرار الید علی الشیء و مسح آخر هو الغسل الخفیف»!!

آن‌ها چنین مطلبی ندارند، بلکه برعکس، آقایان اهل لغت، زمانی که غَسْل را معنا می‌کنند چنین می‌گویند: «غَسْل» به معنای جریان دادن آب بر یک شیء و شستن آن است، اما «مَسْح» به معنای کشیدن دست بر چیز دیگر است.

عرض کردیم مسح تنها در پا نیامده است، بلکه در موارد متعدد واژه «مَسْح» استعمال شده است. آیا اینکه نبی مکرم اسلام فرمودند: کسی دست بر سر یتیمی بکشد، به معنای این است که غَسْل خفیفی کند و لیوان آب را بردارد و یواشکی سر یتیم را بشوید؟! کسی بر سر فرزندش مسح بکشد به معنای این است که غَسْل خفیفی کند؟! آیا مراد اینست؟!

حضرات اهل سنت حرفی می‌زنند که واقعاً انسان نمی‌تواند خودش را کنترل کند. این افراد کار را با تعصب به کجا رسانده‌اند!!

غسل خفیف به معنای شستن کم است. شما یک دفعه دستتان را زیر شیر آب می‌گیرد مفصل را می‌شوید، اما یک دفعه کم می‌شوید که به آن غسل خفیف می‌گویند. غَسْل به معنای ریختن آب و شستشوی با آب است، اما در مسح آبی در کار نیست. ما از ته مانده آب دست چپ، پایمان را مسح می‌کشیم. به بیان بهتر ما شرط می‌کنیم که دستمان خیس باشد که وقتی مسح می‌کشیم آثار نم در پا باشد. به این حالت غَسْل نمی‌گویند!!

آیت الله العظمی نجفی مرعشی تعبیری داشت که می‌گفت: آقایانی که در حوزه‌ها هستند و با اِنْ قُلْتَ و قُلْتَ سر و کار دارند، این روایات را خوب متوجه نمی‌شوند. شما باید به کوچه و بازار بروید از کلاه نمدی‌ها سؤال کنید.

شما باید روایت را بخوانید و ببینید آن‌ها چطور معنا می‌کنند؟! شما باید به عرب‌های اهواز، عراق، کویت و حتی

عربستان سعودی بگویید: «مَسْحُ رِجْلِي و غَسْلُ رِجْلِي» را معنا کنند و ببینید آن‌ها چه معنا می‌کنند؟!

پیغمبر اکرم برای توده مردم سخن گفته است، نه فقط برای امثال «ابن کثیر» که پرده ضخیم و سیاه تعصب روی مغز و فکر و هوش و چشمش را گرفته است. او بعد از اینکه این همه روایات که نقل می‌کند و خودش هم از این همه آثار تعجب می‌کند بعد می‌گوید مراد از مسح غسل خفیف است!

در هر صورت این مطالب هم در خصوص «عامر شعبی» بود که بیان کردیم.

یکی دیگر از افرادی که نقل شده هم روایت نقل کردند و هم خودشان در عمل مسح می‌کشیدند، «عروه بن زبیر» برادر «عبدالله بن زبیر» است. آن‌ها نوه دختری خلیفه اول هستند. مادرشان «اسماء بنت ابی بکر» بود که «زبیر» او را به عقد موقت خود درآورده بود. «عروه» و «عبدالله» از عقد متعه «زبیر» و «اسماء» متولد شدند.

«عبدالله بن زبیر» در مکه به «ابن عباس» طعنه می‌زد و می‌گفت: تو پیر و خرفت شدی، فتوا به جواز متعه می‌دهی!! «ابن عباس» در میان جمعیت به او گفت: برو از مادرت سؤال کن ببین تو را از کجا و چطور به دنیا آورده است. «عبدالله» نزد مادرش آمد و گفت: «ابن عباس» جلوی مردم چنین حرفی زده است. مادرش گفت: پدرت مرا عقد متعه کرد و شما از متعه متولد شدید. من که بارها گفته بودم که سر به سر «ابن عباس» نگذارید، زیرا آن‌ها استادی مثل علی بن ابی طالب داشتند.

آقایانی که در ماهواره‌ها تعبیر می‌کنند که «متعه» همان «روسپی‌گری» است بدانند اول کسی که نستجیر بالله به نظر آقایان روسپی‌گری کرده دختر خلیفه اول «اسماء بنت ابوبکر» بوده است!! کسانی که به مراجع شیعه طعنه می‌زنند که اینها صیغه‌زاده هستند بدانند اولین صیغه‌زاده‌ها «عبدالله بن زبیر»، «مصعب بن زبیر» و «عروه بن زبیر» هستند.

جدیداً که فیلم «مختارنامه» پخش شده است اهل سنت این طرف و آن طرف صحبت می‌کنند و تحریم می‌کنند و یک روز دستور می‌دهند زن‌ها نگاه نکنند و مردها نگاه کنند، یک روز دستور می‌دهند مردها نگاه نکنند، دخترها نگاه نکنند و زن‌ها نگاه کنند. آن‌ها چرندیات زیادی بیان می‌کنند!!

اگر شما به سایت‌ها مراجعه کنید می‌بینید در گوشه و کنار علیه مختارنامه سروصدا به راه می‌اندازند تنها به خاطر اینکه در مختارنامه به یکی از صحابه به نام «عبدالله بن زبیر» جسارت شده است.

انشاءالله به حول قوه الهی تصمیم داریم شب دوشنبه یا شب جمعه پرونده «عبدالله بن زبیر» را باز کنیم و ببینیم از «عبدالله بن زبیر» در منابع اهل سنت چه روایاتی نقل شده است.

عداوت این فرد با اهل بیت عصمت و طهارت به اندازه ای است که در خطبه‌های نماز جمعه دستور داد که صلوات بر آل پیامبر منع شود و خودش به دستور خود عمل کرد. وقتی «ابن عباس» و دیگران به او اعتراض کردند چرا صلوات بر آل محمد را منع کردی، گفت:

«إِنَّ لَهُ أَهِيْلَ سَوِّءٍ»

جمل من أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البَلَدْرِي (المتوفى: ۲۷۹ هـ)،

تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلى، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج

۳، ص ۲۹۱، باب ابن الحنفية و عبد الملك بن مروان

می‌گوید پیغمبر اکرم اهل و خاندان حقیر و پست و بدی دارد و زمانی که ما صلوات بر آل محمد می‌فرستیم آن‌ها گردن خود را بلند می‌کنند و افتخار می‌کنند. من می‌خواهم پوزه آن‌ها را به خاک بمالم و افتخار آل پیغمبر برای من قابل تحمل نیست!!

آقایان اهل سنت صلوات بر آل پیغمبر را در خطبه‌هایشان از واجبات می‌دانند. اگر یک خطبه‌ی نماز جمعه‌ای در میان اهل سنت خوانده شود و بر آل رسول الله صلوات نفرستند اصلاً نماز جمعه و خطبه را باطل می‌دانند!! اگر در نماز، کسی صلوات ابراهیمی نفرستد اصلاً نمازش باطل است. حال از چنین فردی که چنین مطالبی داشته دفاع می‌کنند.

همچنین در بعضی موارد نقل شده که «عبدالله بن زبیر» علناً نسبت به حضرت امیرالمؤمنین جسارت می‌کرد و ناسزا می‌گفت. با این وصف آقایان سنگ «عبدالله بن زبیر» را به سینه می‌زنند. و سروصدا به راه می‌اندازند. مقاله مفصلی در سایت «سنی آنلاین» پایگاه رسمی حوزه علمیه زاهدان نوشتند که در آنجا دروغ و افسانه را در رابطه با «عبدالله بن زبیر» به هم بافته‌اند تا مثلاً از او دفاع کنند!!

ای کاش آقایانی که این قدر افسانه‌سرایی می‌کنند روایاتی که در کتاب‌های خودشان در مذمت «عبدالله بن زبیر» بود می‌آوردند و حداقل به این روایات پاسخ می‌دادند و می‌گفتند: در برابر این همه مدحی که کردیم روایاتی هم در مذمت «عبدالله بن زبیر» آمده، اما ما به این روایات پاسخ می‌دهیم!!

اگر ما می‌دیدیم پاسخ این افراد صحیح است قبول می‌کردیم. اما آن‌ها یک جانبه به قاضی می‌روند و عینکشان فقط یک دید بیشتر ندارد و چشمشان فقط یک دید هست، انسان احساس می‌کند آن‌ها مثل سایر موارد با تعصب، مطالب و وقایع تاریخی را مطرح می‌کنند.

در هر صورت...

یکی از کسانی که در وضو گرفتن مسح می‌کشید است و حتی وضوی مسحی پیغمبر اکرم را نقل کرده، آقای «عروه بن زبیر» برادر «عبدالله بن زبیر» است.

در کتاب «دلایل النبوة» اثر «بیهقی» که قبلاً هم گفتیم «ابن تیمیه» می‌گوید: "کتاب «دلایل النبوة» اثر «بیهقی» از کتاب‌های معتبر و قابل اعتماد است." ما قبلاً هم اشاره کردیم که ایشان می‌گوید نبی مکرم اسلام فرمودند: در ابتدای بعثت با اراده جبرئیل چشمه‌ای جوشان گرفت؛

«فَفَتَحَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَيْنًا مِنْ مَاءٍ فَتَوَضَّأَ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَجْهَهُ وَيَدِيهِ
إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ وَمَسَحَ رَأْسَهُ وَرَجْلَيْهِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ثُمَّ نَضَحَ فَرْجَهُ وَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ مُوَاجِهَةً الْبَيْتِ، فَفَعَلَ
مُحَمَّدٌ كَمَا رَأَى جِبْرِيلُ يَفْعَلُ»

و محمد به جبرئیل نگاه می‌کرد که چگونه وضو می‌گیرد. بر سرش مسح کشید و بر پایش تا برآمدگی
پا مسح کشید و... پس پیامبر نیز مثل جبرئیل وضو گرفت.

دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة؛ المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى
الخُشْرُوْجَرْدِي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ)؛ الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت،
الطبعة: الأولى - ١٤٠٥ هـ - ج ٢، ص ١٤٥

آقای «ذهبی» در کتاب «تاریخ الإسلام» جلد ١ صفحه ٧٣ این روایت را نقل می‌کند. آقای «مقریزی» در کتاب
«امطاع الأسماع» جلد سوم صفحه ٢٨ این روایت را نقل می‌کند.

آقایان بحث دارند که آیا این روایت صحیح است یا نیست. آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری»
جلد ١ صفحه ٢٠٥ می‌گوید: در بعضی از موارد روایت مرسل است، اما در کتاب‌های متعدد مثل «طبرانی» و
دیگران آن را به صورت موصول نقل کرده‌اند. و ایشان روایت را صحیح می‌داند. آقای «سیوطی» هم در کتاب
«الخصائص الكبرى» جلد ١ صفحه ٩٤ همین عبارت را به عنوان یک متن قطعی و مسلم نقل می‌کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته